

در هر یک از اتاق‌های منزل یا محل کار مکانهای امن را تعیین کنید. این مکان می‌تواند زیر یک میز محکم، یا کنار دیوار داخلی به دور از پنجره باشد.

بهارانه

جلال ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی در گفت‌وگو با «شهروند»:

سال کم‌حادثه‌ای را پشت سر گذاشتیم

پیش‌آمد؛ دویار خودرو آتش گرفت و یکبار هم موتورسیکلت، هر سه بار هم من بلافاصله با کپسول اطفای حریق وارد عمل شدم. حتی یاد هست، راننده موتورسیکلت مردمیان‌سالی بود که بعد از خاموش کردن آتش به من گفت همه زندگی‌اش همین موتور بوده، من از این که توانستم به آن مرد کمک کنم، خیلی خوشحال شدم.

**تا حالا اقوام یا آشنایان شما دچار حادثه آتش‌سوزی شده‌اند؟**  
نه، اقوام و دوستان نزدیک شکر خدا حادثه‌ای از این دست نداشته‌اند.

حوادث سال ۹۷ بیشتر از سال‌های قبل بود؟

نه اتفاقاً سال کم‌حادثه‌ای برای ما بود. البته هیچ‌وقت حادثه به صفر نمی‌رسد، نه در ایران و نه در هیچ‌کجای دنیا، این اتفاق محال است. فقط می‌توان تعداد، شدت و آسیب‌های ناشی از حوادث را کاهش داد، اما روند کلی امیدوارکننده است. همین تلفات چهارشنبه‌سوری نسبت به سال‌های دور خیلی کمتر شده و مطمئن هستم در سال‌های آینده هم این روند کمتر می‌شود.

پس شما پیش‌بینی می‌کنید که سال ۹۸ آتش‌سوزی‌های کمتری داشته باشیم؟

بحث پیش‌بینی نیست، این یک واقعیت است که با افزایش آگاهی مردم، حوادث ناگوار هم کمتر می‌شود. در کل من به سال آینده نگاه خوبی دارم، به شرطی که مردم همچنان موارد ایمنی‌را جدی بگیرند.

امسال عیدسفر می‌روید؟

من چند سال است که ایام نوروز به خاطر شغلم در تهران هستم.

**آخرین باری که به سفر رفتید را به خاطر دارید؟**  
حدود چهار سال بود که همراه همسر و دو دخترم به مسافرت نرفته بودم، تا این که ماه پیش همراه خانواده به جنوب‌رفتم.

امسال عید متفاوتی رو تجربه کردی؟

بعد از ۹ سال تکراری، امسال عید برای من حال و هوای دیگری دارد. این که دیگر مجبور نیستم روز اول عید هم بسر وقت از خواب بیدار بشوم، توی یک چهار دیواری خسته‌کننده، با بچه‌هایی که هر کدامشان با یک داستان تلخ به زندان افتاده‌اند. گریه و بشیمانی از کارهای کرده و نکرده، اونهایی که مثل من نمیدونستن که عید سال بعد رو هم می‌بینند یا نه، همه اینها دیکه امسال سر سفره هفت سین نیست.

چند ساله بودی که به زندان افتادی؟

۱۷ سالم بود، یعنی چندماهی مانده بود تا ۱۷ سالم تمام بشود. الان هم که ۲۶ سالم شده از زندان آزاد شدم. ولی واقعا ختم این همه زندان نبود.

ولی به جرم قتل عمد زندانی شده بودی و حتی حکم قصاص هم صادر شده بود.

بله حکم دادگاه قصاص بود. ولی من فقط قصد دفاع از خودم را داشتم. اصلا نمی‌خواستم حسین را بکشم. خودش باعث شد. من یک دختر دست تنها چطور باید از خودم مراقبت می‌کردم. همه ماجرا یک اتفاق بود.

چطور با حسین آشنا شدی؟

من آشنایی با او نداشتم. حسین از طریق یکی از اقوام ما که در بافت زندگی می‌کرد، من را دیده بود. او از من ۱۵ سال بزرگتر بود. زن و بچه داشت. اما باز هم قصد از دواج داشت. چندبار پیغام فرستاده بود، برای خواستگاری. اما جواب من منفی بود. دوست نداشتم زن دوم باشم. ضمن این که من یک زنم و می‌دانم هیچ زنی دوست ندارد، شوهرش از دواج کند و هوو سرش بیاورد. من دلایل خودم را داشتم و به همین دلیل هم به او جواب منفی دادم. اما حسین دست‌بردار نبود.

یعنی به خاطر همین اصرارهایش برای ازدواج، او را به قتل رساندی؟

نه، ما در یکی از روستاهای اطراف بافت زندگی می‌کردیم. حسین هم این‌را می‌دانست. آن روز مادرم رفته بود تا از چشمه آب بیاورد. من در خانه

بودم و داشتم سبزی خرد می‌کردم که یکدفعه دیدم حسین جلویم سبز شد. خیلی ترسیدم. از ترسم همان چاقویی که دستم بود را جلوی حسین گرفتم. نمی‌دانم چه نقشه‌ای در سرش بود، بیخ می‌زدم و التماس می‌کردم، اما او اصلا گوش نمی‌داد، به طرف من آمد، با صدای بلند فریاد می‌زدم که با چاقو می‌زنم از من دور شو، اما فایده‌ای نداشت. چندتا چاقو هم به دست و پایش زدم، اما حسین ول کن نبود. نمی‌دانم

۱۷ ساله بود که پایش به زندان باز شد. در بند زنان کنار ۳ زندانی محکوم دیگر. در زندان مرکزی کرمان ۹ سال از عمرش را سپری کرد. به خاطر یک جنایت. مردی ۳۵ ساله را به قتل رساند. خواستگارش بود. مرد متاهلی که زن و بچه داشت. خودش می‌گوید غیر عمد بود اما محکم قصاصش زود آمد. ۹ سال در انتظار اعدام بود که بهمن سال ۹۷، بخیرین ۳۰۰ میلیون تومان تقاضای خانواده قربانیان را جور کردند و سارا از زیر تیغ رهایی یافت.

گفت‌وگویی «شهروند» با دختری

که طی ۹ سال حبس، هیچ ملاقات‌کننده‌ای نداشت

فکر نمی‌کردم نوروز ۹۸ را بینم

شهروند | امسال عید برای سارا حال و هوای دیگری دارد. دیگر از هفت سین بند خبری نیست. از میله‌های خاکستری و دیوارهای رنگ و رو رفته زندان، از مکت‌هایی که باید به کمک دیگر زندانیان شسته می‌شد تا بوی کهنگی آنها کمتر شود. امسال عید حتی از رنگ موی فاطمه خانم خبری نبود. نوروز امسال برای سارا همه چیز طور دیگری بود. سارا این دختر ۲۷ ساله حالا پس از ۹ سال دوباره عید را آزادانه جشن گرفت. تعطیلات سال‌نورا در کنار اقوام مادرش سپری می‌کند. او از این که پس از سال‌ها دوباره می‌تواند برای هر روز و هر ساعت به دلخواه خودش تصمیم بگیرد، خوشحال است. یک خوشحالی ساده که شاید برای آدم‌های معمولی خیلی مستحضره و بی‌اهمیت باشد، اما برای سارا لحظه لحظه‌اش جذاب و شیرین است. خودش می‌گوید هنوز هم وقتی از خواب بیدار می‌شود، وقتی چشمانش را باز می‌کند و میله‌های خاکستری بند را نمی‌بیند، از جا می‌پرد و کلی ذوق می‌کند. ۹ سال زندگی کردن در زندان کار سختی است. آن هم برای یک دختری که در ۱۷ سالگی پایش به زندان باز شده باشد. سارا اهل روستاهای بافت کرمان است و به جرم قتل به زندان افتاد. قتل مردی که چندبار به خواستگاری‌اش آمده بود. سارا علاقه‌ای به او نداشت. اما حسین خواستگار سمجی بود، اصرار و انکار سارا و حسین ادامه داشت تا این که بالاخره این دونفر باهم درگیر شدند و حسین به قتل رسید. فاطمه می‌گوید قصدش فقط دفاع بوده و برای این که از دست خواسته‌های حسین خلاص شود، از چاقو برای ترساندن و فراری دادن او استفاده کرده. اما دادگاه فاطمه را به جرم قتل عمد به قصاص محکوم کرد. سارا چندسال را زیر حکم بود. منتظر اجرای قصاص، اما دست سرنوشت برای این دختر ماجرای دیگری را رقم زد تا او حالا آزاد و سرزنده از ماجرای به زندان افتادن، خاطرات زندان و آزادی‌اش پس از این همه‌سال به «شهروند» بگوید:

چطور شد، پایش به پله گیر کرد و تعادلش را از دست داد و به طرف من سقوط کرد و چاقویی هم که در دست من بود، در بدنش فرو رفت.

با این حال دادگاه تو را در این حادثه مقصر تشخیص داد.

بله، من همه تلاشم را کردم تا آنها را قانع کنم، ولی بی‌نتیجه بود. هیچ‌کس به جز وکیل و مادرم به حرف‌های من اهمیت نمی‌دادند. در نهایت هم قاضی

را بخوانید تا پی ببرید که صداسوسیمایی‌ها از انتشار چه سطرهای خطرناکی جلوگیری کرده‌اند: «برای من یک توفیق الهی است و خدا را همیشه از این موهبتی که نصیب شد، شکر می‌کنم. این چند دهه‌ای که گذشتم و مردم عزیزم من را فراموش نکردند، اصلا جای صحبت ندارد و سکوت کنم بهتر است. امروز خیلی خوشحالم که پس از سال‌ها دوری از خانه این‌جا هستم و خدا را واقعا شکر می‌کنم.»

تعجب برانگیز  
تحریم از نوع افطار!

باز هم فرصتی دست داد تا سلبریتی‌ها خودشان را در بوق و کرنا کنند: «دعوت به افطاری رئیس جمهوری». برخی از چهره‌های سینمایی مثل مهناز افشار، پرستو صالحی، مازیار میری، احسان کریمی، هادی حجازی‌فر و... دعوت رئیس جمهوری برای میهمانی افطار را رد کردند و دلیل رد این دعوت را هم شرایط بد اقتصادی

بود؟ اگر قرار باشد من حرف بزنم، به دشنام می‌روم». مهناز افشار هم در اینستاگرام خطاب به بهروز وثوقی (قیصر) نوشت: «قیصر داش فرمونت هم رفت». اما ماجرای مرگ ملک‌مطیعی به همین جا ختم نشد. کمی بعد، مصاحبه‌ای که او در برنامه «دوره‌می» با مهرازان مدیری انجام داده بود، سر از یک شبکه ماهواره‌ای درآورد؛ درحالی که مدیران سازمان صداسوسیمای اجازه پخش برنامه «دوره‌می» با حضور ناصر ملک‌مطیعی ندادند، مدیر شبکه ماهواره‌ای تیش اعلام کرد مصاحبه مدیری با ملک‌مطیعی از این شبکه پخش خواهد شد. در ادامه تهیه‌کننده شبکه نسیم با بیان این که تصاویر پخش شده از برنامه مرحوم ملک‌مطیعی در «دوره‌می» با دوربین تلفن همراه ضبط شده، گفت: «ما برای حفظ آرامش و نظم برنامه اجازه ورود تلفن همراه به برنامه را نمی‌دهیم و فقط برای احترام به همراهان میهمان برنامه بعضا به آنها اجازه می‌دهیم تلفن همراه خود را به داخل استودیو بیاورند». حالا کمی از حرف‌های ناصرخان در «دوره‌می»

کشور عنوان کردند. آنها با یک پست اینستاگرامی چنان حس قهرمان‌بودن پیدا کردند که انگار صدام حسین کافر را شکست داده‌اند! از طرف دیگر، محمود دولت‌آبادی که جزو دعوت‌شدگان بود، به این موضوع واکنش نشان داد: «برخی از هنرمندان اعلام کرده‌اند که در میهمانی افطار رئیس جمهوری شرکت نخواهند کرد. من عملکرد هیچ شخصیتی را تعیین نمی‌کنم و معمولا هم در هیچ گروه و دسته‌ای نبوده و نیستم. من به حسن روحانی رأی داده‌ام و به همین رأی که دادم، احترام می‌گذارم. بنابراین من دعوت ایشان را برای افطار پاسخ نخواهم داد.» صادق زیباکلام هم در واکنش به تصمیم هنرمندان گفت: «اگر این سلبریتی‌ها را یکی از مقامات دیگر کشور دعوت کرده بود، آیا جرات می‌کردند که به آن نهاد بگویند «ته ما نمی‌آییم» و نه گفتنشان و نیامدنشان را هم به این صورت اعلام کنند؟» با همه این حواشی، افطاری رئیس جمهوری برگزار شد. فاطمه معتمدآریا که یکی از میهمانان ویژه مراسم بود، گفت: «ما هنرمندان مستقل و توانمندی هستیم که برای فعالیت، نیاز به حمایت نداریم، اما انتظار مانع تراشی هم نداریم. رسالت ما ترویج دوستی، وحدت، صلح و همدلی است؛ فقط خواهان آن هستیم که به ما اعتماد شود تا بتوانیم کارمان را انجام دهیم.»

پایان تلخ «شهرزاد»



ترانه علیدوستی عکسی از خودش منتشر کرد که او را با چشمان اشکیار نشان می‌داد. علیدوستی با انتشار این عکس نوشت: «شهرزاد. ۹۲/۲۳ تا ۹۷/۲۱ سریال «شهرزاد» پس از ۳ فصل در حالی که به پایان رسید که برای انتشار هفتگی آن لحظه شماری می‌کردیم. قسمت آخر این سریال چند هشتگ مثل «پایان تلخ» را در شبکه‌های اجتماعی داغ کرد. پایان بندی «شهرزاد» با نقدهای مختلفی همراه شد. یکی از مواردی که کاربران شبکه‌های اجتماعی بر آن اصرار داشتند، مخالف خوانی با سرنوشت «قباد» در سریال بود، اما حسن



«ماه عسل» علیخانی داغ‌تر از هر سال دیگر پیش رفت. او با فوت‌وفتن مخصوص به خودش بار دیگر توانست خط قرمزهای صداسوسیمایا را جابه‌جا کند و پای صحبت آدم‌هایی بنشیند که هرگز در تلویزیون دیده نشده بودند. بین برنامه‌های علیخانی حضور یاسمن اشکی، امیرعلی اکبری و محمدرضا گلزار از دیگر برنامه‌ها بحث‌برانگیزتر بود. البته ماجرای حضور حمید صفت در «ماه عسل» هم مطرح شد، اما در نهایت مدیر گروه اجتماعی شبکه سه خبر حضور این خواننده در برنامه را تکذیب کرد. برسیم به محمدرضا گلزار. او با حضور در «ماه عسل» از ساخت و اجرای یک مسابقه تلویزیونی خبر داد. ورود محمدرضا گلزار به عرصه اجرا با «برنده باش» مهمترین بخش گفت‌وگویی کوتاه علیخانی با این بازیگر بود. گلزار در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «من با عشق با مردم زندگی می‌کنم و نیاز به بازیگردانم». احسان علیخانی در هشتمین برنامه «ماه عسل» هم میزبان امیرعلی اکبری بود. او که به دلیل رشته ورزشی‌اش جایی در تلویزیون نداشت، در پایان درباره بستن پیشانی بند یا حیدر کرار برای حضور در مسابقات گفت:



قشنگ‌تر از بریا  
شب نوستالژیک «نود»

با حضور «حشمت» و «پروین»  
اولین ویژه‌نامه جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه یک سورپرایز ویژه داشت: «حضور علی پروین و حشمت مهاجرانی». پروین در ابتدای صحبت‌های خود با خنده گفت: «آقای فردوسی‌پور اگر قرار است ما را ببیجانی، بگویم برویم سوال بعدی.» او ادامه داد: «حشمت مهاجرانی به من لطف دارد؛ چرا که بازیکنی ساده و شاگرد این مربی بزرگ بودم.» حشمت مهاجرانی هم گفت: «می‌گویند کاپیتان تیم عصای دست مربی است و من این عصا را با حضور پروین در تیم حس کردم. مدیریت و تیمداری پروین در زمین خیلی خوب بود.» قایی که عادل با حضور حشمت مهاجرانی و علی پروین در تلویزیون ساخت، با استقبال گروه‌های مختلف مواجه شد. نوید محمدزاده از حضور حشمت مهاجرانی و علی پروین در ویژه‌نامه جام جهانی شبکه سه ابراز خرسندی کرد. او با به اشتراک گذاشتن تصویری از مهاجرانی و پروین در استوری اینستاگرام نوشت: «عجب قایی، اوج خوش سلیقگی در دعوت میهمان نود.»

قاپ روی دیوار  
خداحافظی پر حاشیه با ناصر خان

ناصر ملک‌مطیعی همچنان در قامت یک اسطوره بدرود گفت و رفت. درگذشت ناصر خان تا مدت‌ها به بحث اصلی محافل هنری تبدیل شد. پای خیلی چیزها و خیلی کس‌ها هم به میان آمد: تلویزیون، ماهواره، مهرازان مدیری، مسعود دهنمکی، مسعود کیمیایی، ... درگذشت این بازیگر واکتشن‌های مختلفی در پی داشت. مهدی فخیم‌زاده گفت: «اینها را به اسم فیلمارسی خیلی زدند، حالا همه توی سروصورت می‌زنند... برابم عجیب است.» مسعود کیمیایی هم گفت: «چرا نباید هنرمندان ما در سرزمین خودشان به ذات خودشان که هنر است، برسند؟ این سوال را کی جواب می‌دهد؟ آقای ملک‌مطیعی چه کرده

داغ‌های خرداد ۹۷